

جامعه‌شناسی قواعد همسرگزینی در سیره معصومین (ع)

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۷

حمیدرضا فاتحی^۱

سید محمد تقی^۲

امیر مسعود امیر مظاهری^۳

چکیده

گزینش همسر فرایندی است که تابع قواعدی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. نگاه جامعه‌شناختی و همه‌جانبه به این قواعد، در سیره معصومین با توجه به بافت اجتماعی آن دوران، لازم و ضروری است. هدف این پژوهش شناخت همه جانبه همسرگزینی با توجه به بافت اجتماعی آن زمان در سیره معصومین است. روش در این پژوهش، تاریخی و از نوع اکتشافی است و داده‌ها در آن کیفی می‌باشد. مبنای تحلیل داده‌ها تحلیل گفتمان است. گفتمان هم صورتی خاص از زبان و هم صورتی خاص از تعامل اجتماعی است؛ لذا در سه سطح، تحلیل اجتماعی، شناخت اجتماعی و ابعاد گفتمان، به توصیف قواعد همسرگزینی در سیره معصومین و مقایسه با دوره قبل از اسلام، می‌پردازد. بافت اجتماعی، بایدها و نبایدها (ایدئولوژی)، نوع نگرش و ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی، با گفتمان، ارتباط پیچیده و چندجانبه دارند و تغییر یا اصلاح در هر کدام، بر سایر ابعاد اثرگذار است. تغییر در بافت اجتماعی عام، از نظام قبیلگی به نظام سیاسی واحد با قوانین همه‌جانبه فراگیر برای همه اقشار جامعه، و تغییر ایدئولوژی نژادپرست و جنسیت‌گرای مردانه به انسان‌گرای ورای نژاد، قومیت و جنسیت و تغییر نگرش نسبت به زن و دختر و حق انتخاب آنها برای آینده زندگی خانوادگی و حفظ حرمت والدین در زمینه همسرگزینی، محورهای اصلی در سیره معصومین، در خصوص قواعد همسرگزینی است که نسبت به دوره قبل از اسلام تغییر بنیادی پیدا کرد و در این پژوهش به آنها اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: همسرگزینی، ممنوعیت ازدواج، درون و برون همسری، تعدد زوجات، تحلیل گفتمان

۱. عضو هیئت علمی و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛

fatehi@riau.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)؛

moh.saqafi_nejad@iauctb.ac.ir

۳. عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛

ami.amir_mazaheri@iauctb.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

گزینش همسر از مهم‌ترین مراحل زندگی هر فرد است؛ زیرا آثار و پیامدهای آن تا پایان عمر و حتی در جهان دیگر نیز خواهد بود. انسان برای انتخاب همسر آزادی مطلق ندارد؛ لذا افراد نمی‌توانند با هر فردی که بخواهند ازدواج کنند. در همه جوامع، قواعدی صریح و/یا ضمنی در مورد همسرگزینی وجود دارد. این قواعد و هنجارها، هم جنبه عرفی، قانونی و/یا شرعی دارند و الزامی هستند و تخلف از آنها، دارای مجازات است و هم جنبه توصیه‌ای و ترجیحی دارند که به رعایت آنها ترغیب می‌شوند و برای حفظ تعادل و ادامه زندگی و شادکامی بیشتر و تعالی خانواده ضروری هستند. برخی از این هنجارها جهانی هستند که در دوره‌های مختلف و در کشورهای مختلف، با تفاوت‌هایی دیده می‌شوند و برخی مختص جامعه یا فرهنگ خاصی هستند. با ظهور دین اسلام، برای همسرگزینی قواعدی مطرح شد، که برخی از آنها، تأیید و اصلاح اصول و قواعد باقی‌مانده از دوران گذشته در فرهنگ جامعه آن زمان بود (قواعد تأییدی)، و برخی دیگر، قواعد موجود را ممنوع و قواعد جدید را جایگزین کرد (قواعد تأسیسی). چون سیره معصومین برای شیعیان حجت و یکی از معیارها در معارف دینی است، لذا پژوهش درباره سیره^۱ معصومین در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه قواعدی برای همسرگزینی در سیره معصومین (علیهم السلام) مطرح شده است؟ چه تفاوتی با قبل از اسلام دارد؟ کدامیک تأیید گذشته است و کدامیک جدید و تأسیس شده است؟

اهداف پژوهش

معنای هدف‌مندی تحقیق این است که محقق به‌خوبی بداند در چه فضا و چارچوبی کار می‌کند و به چه سویی می‌رود و پاسخگوی چه پرسش یا پرسش‌هایی است. پژوهش اجتماعی می‌تواند هدف‌هایی مانند اکتشاف، توصیف، تبیین، فهم، پیش‌بینی، تغییر، ارزشیابی (بلیکی، ۱۳۸۴):

۱ مقصود از سیره معصومین، گفتار (قول)، رفتار (فعل) و تأیید رفتار (تقریر) از سوی آنان است. تقریر یا همان تأیید رفتار عبارت است از اینکه شخصی در حضور معصوم سخنی را ابراز یا عملی را انجام دهد و معصوم آن را رد نکند؛ در صورتی که شرایط تقیه نباشد، نشان از تأیید آن است. سیره معصومین بر شیعیان حجت است.

۱۰۰) داشته باشد؛ و این پژوهش به اکتشاف و توصیف قواعد همسرگزینی در سیره معصومین (علیهم السلام) می‌پردازد. لذا هدف اصلی، شناخت قواعد همسرگزینی در سیره معصومین با توجه به بافت اجتماعی زمان ظهور اسلام است. چون سیره معصومین از الگوی واحدی پیروی می‌کنند، برای شناخت بهتر، مقایسه با بافت اجتماعی قبل از اسلام می‌تواند زمینه شناخت بهتر و دقیق‌تری را فراهم نماید. درضمن این هدف اصلی، ابعاد موضوع مانند ممنوعیت‌های ازدواج، ساختار همسرگزینی، شاخص‌های همسان همسری و حق انتخاب همسر نیز به‌عنوان هدف‌های فرعی مورد پژوهش قرار می‌گیرند. هم‌چنین تأثیر متقابل گفتمان همسرگزینی و بافت اجتماعی نیز بیان می‌شود.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی این پژوهش از یک جهت واقعی و از جهت دیگر تطبیقی (گیدنز، ۱۳۸۱: ۳۹) است و عبارت است از اینکه چه قواعدی از همسرگزینی در سیره معصومین (علیهم السلام) مطرح شده و این قواعد چه تفاوتی با شرایط فرهنگی اجتماعی قبل از آن زمان دارد؟ و این تغییر (اصلاح، تأسیس و/یا ممنوع شدن) چه ارتباطی با بافت اجتماعی آن زمان دارد؟ سؤال‌های فرعی عبارت‌اند از: در سیره معصومین چه ممنوعیت‌هایی برای ازدواج مطرح شده است؟ و ساختار همسرگزینی چگونه بیان گردید؟ شاخص‌های همسان همسری چیست؟ و حق انتخاب همسر چگونه بیان و عمل شده است؟ و در تمامی موارد، چه تغییری نسبت به قبل از اسلام دارد؟

پیشینه پژوهش

در زمینه همسرگزینی در اسلام، مقاله‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های بسیاری نگاشته شده است. برخی مقاله‌ها^۱ پیرامون قواعد همسرگزینی و نقش آنها در استحکام زندگی بحث نموده‌اند که در آنها به برخی آیات و روایات اشاره می‌شود. برخی دیگر حاصل تحقیق میدانی است که در مورد معیارهای انتخاب همسر در جامعه مورد نظر محقق به بحث می‌پردازند؛ و سعی شده با تکیه بر

۱ در این زمینه می‌توان به پرتال جامع علوم انسانی و یا سایت مجله‌های نور از طریق گوگل مراجعه شود.

مشاهده غیرمستقیم (پرس‌شنامه یا مصاحبه) وضعیت جامعه مورد نظر را با آیات و روایات مقایسه کنند. کتاب‌هایی که درباره خانواده در اسلام نگاشته شده‌اند، بیشتر به معیارهای انتخاب همسر و نقش آنها در استحکام خانواده پرداخته‌اند. فقط در کتاب *اسلام و جامعه شناسی خانواده*^۱، نویسنده محترم دیدگاه‌های جامعه‌شناختی را تحلیل نموده و در هر مورد از بحث، به دیدگاه اسلام در موافقت یا مخالفت اشاره می‌نماید که در این مقاله به برخی از مباحث آن استناد شده است و اما پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی بسیاری در زمینه همسرگزینی نگاشته شده که بیشتر تحقیق میدانی در خصوص مقایسه معیارهای همسرگزینی بین افراد متأهل و/یا بین دو جنس مختلف و یا ویژگی‌های شخصیتی افراد و معیارهای انتخاب آنان می‌باشد.^۲ در زمینه موضوع حاضر، تحقیق مستقلی مشاهده نشد.

مبانی نظری تحقیق

در پژوهش‌های با استراتژی استفهامی، تحقیق با توصیف فعالیت‌ها و معانی شروع می‌شود سپس از این فعالیت‌ها و معانی، مقوله‌ها و مفاهیمی استخراج می‌شود که می‌تواند به‌عنوان مبانی برای درک یا تبیین مسئله موجود مورد استفاده قرار گیرد. در این نوع پژوهش، جهان اجتماعی دنیایی است که به‌وسیله اعضای آن از درون مورد درک و تجربه قرار می‌گیرد و وظیفه دانشمند اجتماعی کشف و توصیف این دیدگاه درونی است نه اینکه دیدگاهی را از بیرون به آن تحمیل کند (بلیکی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). از نظر «وینچ» در علوم اجتماعی دو زبان موجودند: زبان دانشمندان اجتماعی و زبان مشارکت‌کنندگان. پژوهش باید در بافت پژوهش صورت گیرد و نه در بافت محقق و باید از واقعیت‌های اجتماعی شروع شود نه از واقعیت‌های جامعه‌شناختی. به عقیده وی، مفاهیم مورد استفاده توسط اقوام بدوی را تنها می‌توان در شیوه زندگی این اقوام تفسیر نمود (همان: ۱۲۷). لذا این پژوهش نظریه‌محور نیست ولی چون تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل گفتمان است، آنگونه که یورگنسن و فیلیپس می‌گویند در تحلیل گفتمان، نظریه و روش درهم

۱ از نویسنده محترم حسین بستان که در این پژوهش بدان نیز استناد داده شده است.

۲ در پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایران داک) در مقاطع تحصیلی ارشد و دکتری از دانشگاه‌های مختلف پایان‌نامه‌ها ثبت است.

تنیده شده است و محققان برای استفاده از تحلیل گفتمان به‌عنوان روش تحقیق، باید مفروضات فلسفی اصلی آن را بپذیرند و این امکان وجود دارد که هر محقق بسته خودش را با ترکیبی از عناصر و دیدگاه‌های مختلف تحلیل گفتمان و حتی دیدگاه‌های تحلیلی غیرگفتمانی ایجاد کند (محقق کدام رویکرد تحلیل گفتمان را استفاده کند). چنین کار تلفیقی‌ای نه تنها امکان‌پذیر بلکه ارزشمند است، چراکه دیدگاه‌های مختلف، آشکال مختلفی از دانش درباره پدیده مورد نظر را تولید می‌کنند و در نتیجه، منجر به فهم گسترده‌تری از آن پدیده می‌شوند (قجری، ۱۳۹۲: ۳۶). گفتمان هم صورتی خاص از زبان است و هم صورتی خاص از تعامل اجتماعی است. «گفتمان نه تنها شامل مشخصه‌های مشهود کلامی و غیرکلامی و تعاملات اجتماعی و کنش‌های کلامی می‌شود، بلکه علاوه بر آن شامل آن دسته از بازنمودهای شناختی و راهبردهایی نیز می‌شود که در جریان تولید و ادراک گفتمان ایفای نقش می‌کنند» (ون دایک، ۱۳۸۲: ۲۸۳).

بافت اجتماعی سیره معصومین با بافت اجتماعی محقق هم فاصله تاریخی و هم تفاوت زیادی دارد. لذا بر مبنای نظر گیدنز^۱ که در اینگونه موارد لازم است محقق غرق در فرهنگ مورد مطالعه شود و دقت در فهم آن داشته باشد (بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۳۰). لازم است دیدگاهی از تحلیل گفتمان در نظر گرفته شود که برای تبیین آن فرهنگ مناسب باشد. به همین جهت، رویکرد شناختی اجتماعی «ون دایک»^۲ با توجه به مبانی و ابعاد در نظر گرفته شده مناسب این پژوهش است.

از نظر «ون دایک»، هر سطح گفتمان مفاهیم خاص خود را دارد. گزاره‌ها، نسبت گفتمانی (هر گزاره تحت تأثیر گزاره‌های پیشین است)، انسجام (روابط معنایی میان گزاره‌ها)، سبک (چارچوب ارائه گفتمان)، رتوریک (تمهیدات اقناعی در گفتمان) و ساختارهای طرح‌واره، جنبه‌های مختلف گفتمان هستند که باید مورد توجه قرار گیرند (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۶). به نظر ون دایک، در مطالعه گفتمان، به‌مثابه کنش و تعامل، «بافت» نقشی بنیادین در توصیف و تبیین متن و گفتگو ایفا می‌کند (قجری، ۱۳۹۲: ۹۶). وی بافت را به دو قسم، موضعی یا تعاملی (مانند محیط، مشارکان، اهداف و نیت‌ها و ...) و عام یا اجتماعی (مانند ساختارها، کنش‌های سازمانی،

1 Giddens

2 Van Dijk, Teun Adrianus

مشارکان به‌عنوان قانونگذار یا مجری و/یا در مقام رده‌ها و گروه‌های جنسیتی و/یا دارای قدرت و... تقسیم می‌کند. از نظر ون دایک، گفتمان شکلی از «کنش» است و فعالیت‌های انسان‌ها (یا خودداری آنان از انجام کاری) معمولاً تنها موقعی کنش نامیده می‌شود که با نیت قبلی همراه باشند (همان: ۹۰).

به نظر ون دایک، یک مبحث بنیادی که بین گفتمان و جامعه ارتباط برقرار می‌سازد «ایدئولوژی» است. از نظر وی، ایدئولوژی‌ها هم شناختی و هم اجتماعی هستند و امکان پیوند بین سطح خرد و کلان را امکان‌پذیر می‌سازند (همان: ۱۸۱). ایدئولوژی به روابط اجتماعی سلطه محدود نیست؛ بلکه مردم ایدئولوژی‌ها را طراحی می‌کنند تا معضلات مشخصی را حل کنند؛ بنابراین ایدئولوژی‌ها در خدمت حل مسئله هماهنگی اعمال افراد عضو گروه‌های اجتماعی هستند (همان: ۱۲۶). ایدئولوژی‌ها و محتوای آنها مقولاتی بسیار کلی و عام هستند؛ برای آنکه آنها در شرایط مختلف، برای بیشتر اعضای گروه کارکرد مطلوب داشته باشند، باید بنیادین، عمومی و انتزاعی باشند (همان: ۱۲۸).

برای شناخت فرهنگ و واقعیت‌های صدر اسلام، می‌توان آن را در قالب گفتمان مورد بررسی قرار داد. لذا دو گفتمان قبل از اسلام (که به دوره جاهلی معروف است) و بعد از اسلام، که در سیره معصومین ارزیابی می‌شود، در این پژوهش بررسی و با یکدیگر مقایسه می‌شوند. بنابراین، تحلیل گفتمان در سیره معصومین عبارت است از: شناخت و تحلیل گفتار و نمودهای عینی رفتار معصومین در تقسیم کار خانگی براساس مقوله‌های انسجام بخش (ایدئولوژی)، که از طریق ابعاد گفتمان، در بافت اجتماعی معین به منصف ظهور رسیده‌اند.

روش پژوهش

روش در این پژوهش تاریخی است. پژوهش تاریخی در حوزه اکتشافی، کیفی است (میرزایی، ۱۳۹۵، ۲۲۵)؛ لذا فرایند انجام پژوهش می‌تواند منعطف و متفاوت باشد. در پژوهش تاریخی، لازم است محقق بتواند واقعیت‌های تاریخی آن‌طور که بودند ببیند؛ به عبارت دیگر، روش تاریخی همدلانه باشد.

منابع در این پژوهش دو دسته هستند: منابع دست اول دینی، شامل منابع روایی^۱ و تفاسیر قرآن کریم است؛ و منابع دست دوم دینی و تاریخی، شامل کلیه منابع مکتوب است که از منابع دست اول استفاده کرده‌اند.

مبنای تحلیل اطلاعات در این پژوهش، تحلیل گفتمان است. لذا گفتمان‌کاوی در سیره معصومین مراحل دارد. اول) مشاهده آزاد و مطالعه اجمالی منابع. دوم) پردازش سیره و مشخصه‌های متنی و فرامتنی، و رابطه آن با بافت زبانی (سیاق متنی)، بافت موقعیتی (سیاق مقامی) و بافت کلان اجتماعی. سوم) بافت بینامتنی و تحلیل روابط بینامتنی احادیث با یکدیگر و با قرآن و در صورت لزوم متون تاریخی. چهارم) تعیین گفتمان متن؛ که در آن تحلیل تک تک احادیث به تنهایی راهگشا نخواهد بود، بلکه باید آنها را در ساختار معین، گفتمان کاوی نمود (شکرانی و همکاران ۱۳۸۹: ۸۸).

برای تحلیل گفتمان همسرگزینی در سیره معصومین، از روش‌شناختی - اجتماعی «ون دایک» با این محورها استفاده می‌شود: الف) تحلیل اجتماعی، در دو سطح، بافت موضعی و بافت عام؛ ب) تحلیل شناخت اجتماعی، شامل ارزش‌های اجتماعی_ فرهنگی، ایدئولوژی (مانند نژادپرستی، جنسیت‌گرایی و...)، نظام‌های نگرش و دانش اجتماعی_ فرهنگی؛ ج) گفتمان شامل ساختار متن (واژه‌ها و ترتیب آنها و...)، ساختار معنا (رابطه گزاره‌ها، مصداق‌ها، چه کسی و در چه مورد؟ و...)، سبک (برحسب گروه مانند زنان در مقابل مردان، برحسب فرهنگ مانند جاهلی در مقابل اسلامی)، و رتوریک (اقناعی) (قجری، ۱۳۹۲: ۱۸۲). البته هر گفتمانی جنبه رتوریکی ندارد.

یافته‌های پژوهش

با ظهور اسلام تغییرات اساسی در شیوه زندگی مردم به وجود آمد که می‌توان آن را از نظر تاریخی، دو مقطع متمایز دانست. ما تنها هنگامی ماهیت متمایز قواعد همسرگزینی در سیره معصومین را درک می‌کنیم که بتوانیم آن را با گذشته مقایسه کنیم. لذا سؤال اصلی آن است که

۱ کتاب‌های چهارگانه شیعه (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار)، وسائل الشیعه، نهج البلاغه از جمله منابع معتبر دست اول هستند. و کتاب‌های بحار الانوار، الحیاه، میزان الحکمه و جامع الاحادیث الشیعه که روایات کتاب‌های چهارگانه و سایر منابع روایی را با دسته‌بندی ارائه نموده‌اند نیز منابع دست اول دینی محسوب می‌شوند.

همسرگزینی در سیره معصومین چگونه بود؟ و سؤال تطبیقی آن است که این قواعد، با جامعه قبل از اسلام چه تفاوتی دارد؟ و سؤال نظری آن است که چرا برخی از قواعد تأیید، اصلاح و/یا ممنوع شد؟ بافت اجتماعی چه نقشی در این زمینه داشت؟ یافته‌های پژوهش در پاسخ به این پرسش‌ها، در خصوص ابعاد قواعد همسرگزینی در سیره معصومین به ترتیب ارائه می‌شود.

بافت اجتماعی زمان ظهور اسلام

نظام اجتماعی صدر اسلام قبیله‌ای بود و در اطاعت افراد قبیله از رئیس خلاصه می‌شد. این اطاعت منشأ سیاسی نداشت، بلکه برخاسته از روح نژادی و نسبی قبیله بود که در رئیس قبیله تجلی یافته بود (جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۶۳). در نظام قبیله‌ای، رؤسا و سادات قبایل منبع تشریح و قانون‌گذاری بوده و موضع آنان معیار درستی و نادرستی در میان قبیله شناخته می‌شد. به همین جهت، در جاهلیت حکمی در مورد خوردنی‌ها وجود نداشت و مرجع حلال و حرام به عرف قبایل باز می‌گشت (علی، ۱۳۹۱ق، ج ۶: ۲۲۳). در آن نظام اجتماعی، قانون‌گذاری خاصی برای رفع اختلاف‌ها نبود، بلکه عرب برای خود حاکمانی داشت که در امور خویش به آنها مراجعه می‌کرد؛ به همین دلیل بود که هر قبیله حاکم ویژه خود را داشت (جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۹۷). اکثریت ساکنان جزیره‌العرب در بادیه زندگی می‌کردند. محل زندگی در بادیه، خشن و معاش آنها سنگین و اخلاق آنها تند بود. مناطقی چون مدینه و طائف و مکه به دلیل داشتن منابع آب و تجارت، به صورت شهر درآمدند، ولی فرهنگ قبیله‌ای بر آنها حاکم بود. نزاع میان قبایل به صورت یک سنت جاری در میان عرب بود. تریبیت قبیله‌ای عرب اقتضا داشت که خیانت را نپذیرد و نقض بیعت نکند، چه این پیمان مبنای درستی داشته باشد یا نداشته باشد (همان: ۱۶۳). اعراب چیزی جز قدرت و زور را نمی‌شناختند و جز در برابر آن خضوع نمی‌کردند و بر همین پایه، حق را تعیین کرده و عدالت را بر همان اساس قرار می‌دادند (علی، ۱۳۹۱ق، ج ۴: ۲۹۶). در آن فرهنگ حق زن، دختر و فرزند و مرد ضعیف غصب می‌شد؛ چون آنها قدرت جنگیدن نداشتند، ولی مرد قوی می‌توانست بجنگند (همان، ج ۵: ۶۰۹). در این نکته که عرب مکه و آنها که خود را از نسل عدنان می‌دانند، وابسته به حضرت اسماعیل (علیه السلام) بوده و سال‌های

سال در شعر و غیر آن بر این مطلب تکیه کرده و بدان افتخار می‌نموده‌اند، شکی وجود ندارد (جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

قواعد همسرگزینی

همسرگزینی فرایندی است قانونی و با شرایط معین که طی آن کنش متقابل یک زن و مرد از مشروع و مورد پذیرش می‌گرداند (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۲۴). در این قسمت ابعاد همسرگزینی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

محرمیت و انواع همسرگزینی

محرمیت و ممنوعیت ازدواج به معنای ایجاد قوانین خاصی است که در گزینش همسر، ازدواج برخی افراد را ممنوع می‌کند. همین ممنوعیت‌ها باعث می‌شود که در بافت‌های اجتماعی مختلف شکل‌های مختلفی از همسرگزینی‌های ممنوع و/یا مجاز شکل گیرد. البته ممنوعیت ازدواج غیر از محدودیت است؛ زیرا محدودیت شرایط خاص فرهنگی اجتماعی و جغرافیایی است که مانع عملی در گزینش همسر خواهد بود و در این صورت افراد منع قانونی انتخاب همسر ندارند، ولی افراد در شرایط مناسب و در دسترس، فقط می‌توانند با شرایط خاص همسر مناسب خود را انتخاب نمایند و مجموعه‌ای از عوامل زیستی، روانی، اجتماعی و دینی می‌تواند در ممنوع و/یا مجاز بودن انواع ازدواج دخیل باشد.

محرمیت و انواع همسرگزینی قبل از اسلام: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اساس قاعده عمومی ممنوعیت ازدواج بین عرب‌های جاهلی، رابطه اصل با فرع یعنی رابطه خونی بود (علی، ۱۳۹۱ق، ج ۵: ۵۲۹). لذا ازدواج پسر بزرگ با نامادری که رابطه خونی نداشت ممنوع نبود (ازدواج مقت)؛ اگرچه آن را منفی می‌دانستند. ممنوعیت سببی (در اثر ازدواج) نیز وجود داشت ولی ازدواج با دو خواهر هم‌زمان نیز مجاز بود (ازدواج مشارکت خواهران). از جمله ممنوعیت‌های ازدواج، «تبنی» یا پسرخواندگی بود. عرب جاهلی میل مفرط به داشتن پسر داشت؛ به دلیل تعداد کم پسران، یا برای افتخار، یا به خاطر قدرت و حفاظت از قبیله فردی را

طی مراسم خاصی به عنوان پسر خود می‌خواند؛ فرزند خوانده هم چون فرزندی نسبی شمرده می‌شد (ایزدخواه، ۱۳۹۳: ۶۰۵).

به دلیل موقعیت جغرافیایی و بافت اجتماعی، انواع زناشویی^۱ و ازدواج رواج داشت. چون شرایط اقتصادی سخت بود و مهریه نیز به خود زن تعلق نمی‌گرفت، برخی خانواده‌ها، دختر خود را در مقابل گرفتن دختر از خانواده مقابل مهریه قرار می‌دادند تا مهریه‌ای پرداخت نکنند، لذا ازدواجی با عنوان «شغار» شکل گرفت و چون برده‌داری جزء ساختار اقتصادی و اجتماعی آن زمان بود، ازدواجی با عنوان اما شکل گرفت که فقط از طریق مالکیت چنین اختیاری حاصل می‌شد و یا افراد ثروتمند به منظور افزایش ثروت خود کنیزانی زیبا را، موسیقی و عشوهرگری می‌آموختند، سپس هریک را در منزلی مهیا جا می‌دادند و بر بام آن پرچمی خاص که حکایت از آزادی ورود همگان داشت نصب می‌کردند. اینچنین زنان به نام قینات یا ذوات‌الروایا (پرچم‌داران) خوانده می‌شدند. بافت اجتماعی نه تنها این نوع کسب را محکوم نمی‌کرد بلکه فرزند را با کمک قیافه‌شناسان به یکی از مردها منتسب، و فرزند رسمی وی قلمداد میکرد و نکاح الجمع نامیده می‌شد (نوری، ۱۳۶۰: ۶۰۸). برجسته بودن ویژگی‌های اخلاق اجتماعی مانند شجاعت و سخاوت در فرهنگ قبیلگی آن زمان، برخی را بر آن می‌داشت که به دنبال چنین فرزندان باشند، لذا ازدواجی با نام «استبضاع» شکل گرفت که شخص از همسر خود کناره‌گیری می‌کرد و وی را در اختیار مردی که شجاعت یا صفات پسندیده داشت، قرار می‌داد تا صاحب فرزند شود و فرزند به شوهر اصلی تعلق داشت.

بنابراین، بافت اجتماعی عام یعنی ساختار نژادی، قبیلگی و اشرافی همراه با تشنه‌ها و مقررات، و موقعیت سخت جغرافیایی زمینه‌کاهش حدود ممنوعیت و شکل‌گیری انواع ازدواج را در جزیره‌العرب فراهم کرد. محرمیت و انواع همسرگزینی در سیره معصومین: در سیره معصومین، محرمیت و ممنوعیت نسبی و سببی که در گذشته بود، تأیید شد ولی ازدواج با نامادری و دو خواهر هم‌زمان، ممنوع

۱ انواع ازدواج قبل از اسلام: صداق (ازدواج رایج در ادیان الهی)، متعه (عقد موقت)، اماء (ازدواج با کنیزان)، مقت، شغار، رهط (ازدواج چندین مرد با یک زن)، مخدانه (دوستی زن و مرد)، مشارکت خواهران، استبضاع، تعویضی (جابجا کردن زنان با یکدیگر) و نکاح الجمع (نصیری، ۱۳۹۴: ۵۸).

گردید. و دو نوع ممنوعیت رضاعی (شیرخواری) و موارد اعتقادی و یا شرعی خاص^۱ را تأسیس کرد. براین اساس سه نوع از ازدواج‌های قبل از اسلام، یعنی صداق (ازدواج دائم)، متعه (عقد موقت) و اماء (ازدواج با کنیز) را تأیید و بقیه ازدواج‌ها را ممنوع اعلام نمود. در تمامی منابعی که درباره سیره پیامبر و یا سایر معصومین (علیهم السلام) نوشته‌اند متفق هستند که ازدواج دائم و ازدواج با کنیزان وجود داشته و بحثی در آن نبوده است. برخی درباره وجود متعه یا همان عقد موقت در زمان پیامبر اسلام شبهه نموده‌اند که با توجه به آیه ۲۴ سوره نساء، منظور از استمتاع بدون شک نکاح متعه است؛ چون آیه در مدینه نازل شد و نکاح متعه و عقد موقت، در آن زمان بین مسلمانان معمول بوده و در آن شکی نیست (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۴: ۴۳۲). ازدواج شغار ممنوع شد، چون مهریه به زن پرداخت نمی‌شد و نوعی معامله نسبت به زن بود. در سیره معصومین، مهریه به خود زن تعلق دارد. از حضرت باقر (علیه السلام) نقل شده که جمعی به خانه حضرت حسین (علیه السلام) آمدند و گفتند یا ابن رسول الله (صلی الله علیه و آله) در خانه شما چیزهایی به چشم می‌خورد که در خور شأن (زاهدانه) شما نیست و مراد آنها فرش‌ها و پشתי‌ها (ی قیمتی) بود. امام (علیه السلام) فرمود: ما مهر زنان خود را می‌پردازیم و آنها از مهر خود اثاث خانه و آنچه بخواهند می‌خرند و چیزی از اینها مربوط به ما نیست (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳: ۱۰۱). به همین جهت، شیربها، یعنی مبلغی که به پدر و یا مادر دختر داده می‌شد ممنوع شد. همچنین اجیر شدن مرد برای پدر زن که در گذشته بود (در زمان حضرت شعیب بود) (قصص: ۲۷) باطل اعلام شد. از امام هفتم (علیه السلام) سؤال شد، پدر می‌تواند از مهریه دخترش استفاده کند؟ حضرت فرمود: نه این حق او نیست (بروجردی، ۱۳۸۶ق، ج ۲۶: ۴۹۱). همچنین امام معصوم (علیه السلام) فرمود: «در اسلام ازدواج در برابر اجیر شدن برای ولی زن حلال نیست، چون زن به مهر خویش سزاوارتر است (همان: ۴۹۳). در مورد فرزندخواندگی، از سیره پیامبر اسلام استفاده می‌شود که می‌توان فردی را با رعایت حدود شرعی، به‌عنوان فرزندخوانده بزرگ نمود (مانند زید که فرزندخوانده پیامبر بود)، ولی

۱ اعتقادی: ازدواج مسلمان با کافر و مرتد. عدد: ازدواج دائم مرد با بیش از چهار زن. عدّه: زن در عدّه شوهر دیگر باشد. زنا و لواط: در برخی موارد. احرام: ازدواج زن و مرد در حال احرام. و... برای توضیح بیشتر به رساله عملیه مراجعه شود.

فرزندخوانده بودن باعث محرمیت مانند سایر فرزندان نیست؛ لذا خداوند دستور می‌دهد که پس از آنکه زید همسر خود را طلاق داد، پیامبر با وی ازدواج کند. به همین جهت قرآن کریم بر آگاه نمودن فرزند از هویت خانوادگی‌اش، تأکید نموده و می‌فرماید: «آنان را با نام پدران واقعی‌شان بخوانید، زیرا این کار نزد خداوند به عدالت نزدیک‌تر است» (احزاب، ۵). آگاهی دادن جهت پیش‌گیری از آسیب روانی، اخلاقی و اجتماعی است.

بافت اجتماعی قبل از اسلام از خلأ قانونی و اخلاقی عام رنج می‌برد؛ لذا پیامبر اسلام به دنبال اصلاح بافت اجتماعی عام از نظام قبیله‌ای جدا و دشمن، به نظامی با وحدت قبیله‌ای و در نهایت امت اسلامی بود و همچنین به دنبال ایجاد وحدت در هنجارها و قوانینی بود که حمایت اجتماعی همه‌جانبه برای تمامی افراد از هر قبیله ایجاد نماید. به همین جهت در مکه زمینه فکری و اعتقادی را بیان کرد و در مدینه وقتی به قدرت رسید، پیمان وحدت و برادری را بین قبایل و مهاجرین و انصار ایجاد نمود. همین تغییر در بافت اجتماعی زمینه، تغییر در سایر ابعاد گفتمان جدید را ایجاد کرد و توانست بسیاری از قواعد همسرگزینی از جمله محرمیت و انواع ازدواج را اصلاح نماید. این تغییر اساسی اگرچه تا پایان حکومت حضرت علی (علیه السلام) با قوت ادامه یافت و در زمان بنی‌امیه عقب‌گرد داشت، ولی بین معصومین و اطرافیان و ارادتمندان گفتمان حاکم در مسیر اصلاح بود.

درون‌همسری و برون‌همسری

برون‌همسری به معنای گزینش همسر خارج از گروه اجتماعی است که بدان تعلق داریم، و درون‌همسری به معنای گزینش اجباری همسر از بین اعضای گروهی است که بدان تعلق داریم (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۲۸). درون‌همسری تقسیم شده است به درون‌همسری کاستی و درون‌همسری نژادی (همان: ۲۹) که باید درون‌همسری دینی را نیز بدان اضافه نمود.

درون و برون همسری قبل از اسلام: نظام ارزش‌گذاری قبل از اسلام، بر پایه ارزش‌های نژادی و قبیله‌ای بود. لذا درون‌همسری نژادی و قبیله‌ای رواج داشت. از نظر نژادی، آنها به اندازه‌ای بر مسئله عجم و عرب اصرار داشتند که حتی نعمان پادشاه حیره که دست‌نشانده کسری بود، حاضر نشد دختر خود را به کسری بدهد و دردسری بزرگی برای خود ایجاد نمود

(جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۶۱). از نظر قبیله‌ای نیز چنان بر ازدواج درون قبیله‌ای اصرار داشتند که اگر خواستگار دختر از قبیله دیگر بود و رؤسای دو قبیله این ازدواج را مفید می‌دیدند، باز هم عدم رضایت در چهره‌ها بود به‌عنوان مثال پدر و برادر دختر هنگام بدرقه عروس به خانه شوهر به او می‌گفتند، برو امیدواریم پسر نزایی و زایمان بر تو آسان مباد زیرا تو برای ما دشمن می‌زایی (نوری، ۱۳۶۰: ۶۰۳).

درون و بیرون‌همسری در سیره معصومین: در سیره معصومین، درون همسری نژادی و قبیله‌ای مردود اعلام شد. به همین دلیل، علی‌رغم بافت اجتماعی آن زمان که برده را قشر پست می‌دانستند و ازدواج رسمی با آنان را نمی‌پذیرفتند، معصومین کنیزهایی از نژادهای مختلف خریداری، سپس آزاد می‌کردند و با آنان ازدواج می‌نمودند و بچه‌دار هم می‌شدند. این رویکرد معصومین بین اطرافیان نیز اثرگذار بود. برای نمونه، «روزی یکی از مردمان قریش که مادرش از کنیزان بود، در مجلس سعید بن مسیب حضور یافت. سعید از خانواده مرد قریشی پرسید، وی جواب داد، مادرم بانویی کنیز بود. همین‌که سخنش پایان یافت پیش خود احساس کرد که در نظر سعید چیزی کسر داشته، زیرا به‌سرعت از او رو گردانید و آنطور که انتظار داشت سعید به وی اعتنا نکرد. دیری نپایید که امام سجاد وارد شد، سعید از جای خود برخاسته و پس از سلام نسبت به وی تعظیم و تکریم فراوان نمود. در اینجا مرد قریشی رو کرد به سعید گفت: آقا، این شخص کیست؟ سعید گفت: این آقای است که ممکن نیست کسی مسلمان باشد و او را نشناسد. وی علی بن الحسین ابن علی بن ابی طالب است. و پرسید: مادر او کیست؟ سعید پاسخ داد: مادرش از کنیزان بود. آنگاه قریشی به سعید گفت: پس من فکر کردم از موقعی که شما دانستید که مادرم کنیز بوده با نظر تحقیر به من نگریستید!؟» (امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۲۳۳). از این سخن معلوم می‌شود، تکیه نکردن بر درون‌همسری نژادی و قبیله‌ای، برای اطرافیان معصومین نیز پذیرفته شده بود. همچنین همسر و مادر برخی از معصومین کنیز و از نژاد و کشور دیگر بودند.

درون‌همسری دینی در مدینه تأسیس گردید. زیرا پیامبر اسلام قبل از بعثت، سه دختر خویش را به افراد مشرک از فامیل خویش و حضرت خدیجه تزویج نمود. ابو العاص بن ربیع که خواهرزاده حضرت خدیجه بود، از زینب خواستگاری کرد، هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و

آله) خدیجه را به این کار متمایل دید مخالفت نکرد (معروف الحسنى، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۷۶). دو دختر دیگر به نام رقیه و ام‌کلثوم با عتبه و عتیبه فرزندان ابولهب عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ازدواج کردند. زمانی که پیامبر به رسالت مبعوث شد، خدیجه و دخترانش از زانی بودند که به‌سوی اسلام پیشی گرفتند؛ ولی شوهران آنها بر شرک باقی ماندند. قریش برای آزار پیامبر سعی نمود با طلاق دختران بار فکری ایشان را افزون نمایند، لذا موفق شدند که عتبه و عتیبه راضی کنند تا زنان خود را طلاق دهند، ولی ابوالعاص راضی به طلاق نشد و همچنان مشرک باقی ماند. پیامبر این رفتار والای او را تقدیر کرد و در مناسبت‌های گوناگون وی را ستایش نمود. زینب با وجود شرک ابوالعاص در کنار او ماند، تا اینکه پیامبر از مکه مهاجرت نمود و آیات سوره بقره^۱ (آیه ۲۲۱) مبنی بر عدم ازدواج با مشرکان نازل شد و همچنین در جنگ بدر که ابو العاص در سپاه مشرکین بود، به‌دست مسلمانان اسیر شد. وقتی اهل مکه برای نجات اسرای خود فدیة فرستادند، زینب برای آزادی ابو العاص فدیة فرستاد و در میان اموالی که به‌عنوان فدیة فرستاده بود گردن‌بندی بود که مادرش خدیجه به او داده بود. پیامبر به مسلمانان فرمود: «اگر می‌توانید اسیر زینب را آزاد سازید و آنچه فدیة فرستاده به وی بازگردانید». آنگاه که مسلمانان ابوالعاص را آزاد کردند، پیامبر از او قول گرفت دخترش زینب را به مدینه بفرستد. ابوالعاص به‌محض آنکه به مکه رسید به زینب فرمان داد آماده شود تا به پدر خود بیونند (همان). از تمجید پیامبر نسبت به ابوالعاص که حاضر به طلاق دختر پیامبر نشد، معلوم می‌شود در ابتدا بعثت چنین موضوعی مطرح نبوده و در مدینه حکم جدید آمده است. افزون بر ممنوعیت ازدواج با مشرک، ازدواج با کسانی که محکوم به شرک‌اند، به‌طور خاص دشمنان اهل بیت پیامبر (ص)، نیز جایز نیست (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰: ۵۴۹). فقط در صورت ضرورت و یا تقیه، جایز می‌شود (همان: ۶۳۱). در مورد اهل کتاب اختلاف است (همان: ۷۳۷).

۱ با زنان مشرک ازدواج نکنید تا زمانی که ایمان بیاورند، قطعاً کنیز با ایمان از زن آزاده مشرک بهتر است، هرچند (زیبایی، مال و موقعیت) او، شما را خوش آید و زنان با ایمان را به ازدواج مردان مشرک در نیاورید تا زمانی که ایمان آورند. مسلمان برده با ایمان از مرد آزاد مشرک بهتر است، هرچند (جمال، مال و منال او) شما را خوش آید. اینان که مشرک‌اند به‌سوی آتش می‌خواهند و خدا به توفیق خود به‌سوی بهشت و آمرزش دعوت می‌کند و آیاتش را برای مردم بیان می‌فرماید تا متذکر شوند (بقره، ۲۲۱).

تک‌همسری و چندهمسری

تک‌همسری عبارت است از اینکه مرد یا زن از نظر قانونی نمی‌تواند در یک زمان با بیش از یک نفر ازدواج کند. تک‌همسری معمول‌ترین سبک ازدواج در تمام جهان نیست؛ بلکه چندهمسری در بیشتر موارد مجاز بوده است (گیدنز، ۱۳۸۱: ۴۲۶). دو نوع چندهمسری وجود دارد: چند زنی، که یک مرد می‌تواند در یک زمان با بیش از یک زن ازدواج کند و چندشوهری (که خیلی کمتر معمول است)، زن می‌تواند به‌طور هم‌زمان دو شوهر یا بیشتر داشته باشد (همان‌جا).

تک‌همسری و چندهمسری قبل از اسلام

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در بافت اجتماعی زمان ظهور اسلام، غایت زندگی را در شراب و زن و مروت خلاصه می‌کردند. برخی نوشته‌اند در جاهلیت تعدد زوجات حدی نداشت و یک مرد هر تعداد می‌خواست زن می‌گرفت، ولی برخی بر این اعتقادند که در جاهلیت هر مرد حداکثر تا ده زن دائمی می‌توانست اختیار کند (ایزدخواه، ۱۳۹۳: ۴۹۵). البته این غیر از کنیزانی بود که در جنگ به‌دست می‌آوردند یا می‌خریدند. در آن زمان، چون معیار زور و قدرت بود، حق زن دختر غصب می‌شد و مرد به خود حق می‌داد هر چقدر بخواهد از زنان لذت برد و یا مشروب بخورد و طلاق نیز به دست او بود، همچنین به خود اجازه می‌داد که با هر زنی اگر چه شوهردار باشد ارتباط داشته باشد (علی، ۱۳۹۱ق، ج ۵: ۶۰۹). لذا زنان علی‌رغم سختی مضاعف فرزندآوری مداوم و کار خانگی و کمک در اقتصاد خانواده، ارزش و جایگاه انسانی والایی نداشتند. همان‌طور که در تاریخ آمده است، چند شوهری به‌صورت خاص (ازدواج رهط و نکاح الجمع) در بین عرب‌های جاهلی قبل از اسلام وجود داشت. اگرچه برخی معتقدند، چندشوهری تنها در جوامعی وجود دارد که در فقر شدید به‌سر می‌برند و در آنها کشتن نوزادان دختر رواج دارد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۴۲۷)؛ ولی در آن دوران علی‌رغم فقر و دخترکشی، به دلیل جنگ‌های متعدد و کشته شدن مردان تعداد زنان بیشتر بود و چندزنی رواج داشت.

تک‌همسری و چندهمسری در سیره معصومین: تک‌همسری به‌عنوان قاعده رایج در همه

جوامع پذیرفته شده است. در سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) علی‌رغم بافت اجتماعی - که چند زن و در سن پایین را مجاز می‌دانست و تشویق می‌کرد- تا زمانی که خدیجه زنده بود

ازدواج دیگری نداشت و تک‌همسر بود (از بیست و پنج‌سالگی تا حدود ۵۰ سالگی). همچنین علی (علیه السلام) تا زمانی که حضرت زهرا (سلام الله علیها) زنده بود تک‌همسر بود. اما در مورد چندهمسری، فقط چندزنی با شرایط خاص مجاز شمرده شد و چند شوهری ممنوع گردید. در سیره معصومین، غیر دوره اول زندگی پیامبر اسلام و حضرت علی، مانند سایر افراد چند زنی وجود داشت. این چندزنی محدود شد به چهار زن در صورتی که مرد توان نفقه و رعایت عدالت را داشته باشد. در مورد تأیید و اصلاح چندزنی با شرایط خاص و تأیید ازدواج موقت و همچنین تأیید و اصلاح ازدواج با کنیزان، از مجموعه سیره معصومین و اسناد تاریخی می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

الف) پدیده چندزنی مربوط به اسلام نبود. در ایران باستان، روم باستان و مصر باستان و در بین عرب‌های قبل از اسلام این پدیده رواج داشت، به طوری که مرد هر چند زن و در هر سن می‌خواست، می‌توانست ازدواج کند (علی، ۱۳۹۱ق، ج ۴: ۶۳۳). و در بسیاری از موارد به صورت تبعیض آمیز بود. اسلام آن را محدود به عدد معین و مقید به شرایط خاص نمود. ویل دورانت در این زمینه می‌نویسد: «علمای دینی در قرون وسطی چنین تصور می‌کردند که تعدد زوجات از ابتکارات پیامبر اسلام است، در صورتی که چنین نیست...». عللی که سبب پیدایش عادت تعدد زوجات در اجتماعات ابتدایی گشته، فراوان است؛ به واسطه اشتغال مردان به جنگ و شکار، زندگی مرد بیشتر در معرض خطر بود و به همین جهت، مردان بیشتر از زنان تلف می‌شدند و فزونی عده زنان بر مردان سبب می‌شد که تعدد زوجات رواج پیدا کند و یا عده‌ای از زنان در بی‌شوهری بسر برند... (مطهری، ۱۳۵۷: ۳۳۷). گوستاولوبون نیز در این باره می‌نویسد: «در اروپا هیچ‌یک از رسوم مشرق به قدر تعدد زوجات بد معرفی نشده و درباره هیچ رسمی هم این قدر نظر اروپایی‌ها به خطا نرفته است. نویسندگان اروپایی تعدد زوجات را شالوده مذهب اسلام دانسته و در انتشار دیانت اسلام و تنزل و انحطاط ملل شرقی، آن را علة‌العلل قرار داده‌اند. ... رسم تعدد زوجات ابداً مربوط به اسلام نیست، چه قبل از اسلام هم، رسم مذکور در میان تمام اقوام شرقی از یهود، ایرانی، عرب و غیره شایع بوده است» (همان: ۳۳۹).

ب) اجازه چندزنی با شرایط خاص فقط دست برنامه‌ریزان را باز می‌کند تا بتوانند مشکلات ناشی از افزایش تعداد زنان در جامعه را مدیریت کنند. در جامعه‌ای که چندزنی مجاز است، این

عبارت که هر مردی می‌تواند چند زن داشته باشد، باطل است. به تعبیر گیدنز، در واقع، بیشتر مردان در جوامع چندزنی، تنها یک همسر دارند، حق داشتن چندین زن اغلب محدود به افرادی است که دارای منزلت والایی هستند؛ درجایی که اینگونه محدودیت وجود ندارد، نسبت جنسی و عوامل اقتصادی مانع چندزنی می‌شوند. بدیهی است جوامعی وجود ندارند که در آنها تعداد زنان آنقدر بیشتر از مردان باشد که اکثریت مردان بتوانند بیش از یک همسر داشته باشند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۴۲۷).

ج) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) حدود بیست و پنج سال با خدیجه (سلام الله علیها) زندگی کرد و طی این مدت، همسر دیگری نداشت. به عبارت دیگر، پیامبر اسلام تا سن ۵۰ سالگی فقط یک همسر داشت. همچنین حضرت علی (علیه السلام) نیز تا زمانی که حضرت زهرا (سلام الله علیها) زنده بود، همسر دیگری غیر از حضرتش اتخاذ نکرد. با توجه به شرایط اجتماعی آن زمان که داشتن تعدد همسر از زنان آزاد و رسمی و همچنین کنیزان مرسوم بوده است، نشان از آن دارد که در شرایط عادی اجتماع و با توجه به شخصیت زن و حرمت و جایگاه شخصی که انتخاب شده، اصل بر تک همسری است و چندزنی ناشی از شرایط و ضرورت‌های اجتماعی است. از طرفی هم، چندزنی در سال‌های آخر عمر پیامبر، نشان از آن دارد که مقصود از ازدواج‌های متعدد تنوع‌طلبی نبود. لذا اجازه ازدواج مجدد به برخی مردان رواج تنوع‌طلبی نیست، بلکه مدیریت اجتماعی است که در زمان و مکان ممکن است تغییر کند؛ زیرا مرد یا زن تنوع‌طلب مبعوض و ملعون^۱ درگاه خدا معرفی شده است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶: ۵۴). به همین جهت، اجازه چندزنی نیازمند برنامه‌کارشناسی به تناسب زمان و بافت اجتماعی است.

د) با مراجعه به سیره معصومین و توجه به بافت اجتماعی آن زمان، برخی ازدواج‌های معصومین برای حمایت از زنان بی‌همسر و فرزندان یتیم آنان، که با مشکلات متعدد امنیتی، اقتصادی و عاطفی مواجه بودند، صورت گرفته است. در آن دوران، هیچ مرد و زنی بدون همسر

۱ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ أَوْ يُبْغِضُ كُلَّ ذَوَّاقٍ مِنَ الرِّجَالِ وَكُلِّ ذَوَّاقَةٍ مِنَ النِّسَاءِ. پیامبر اسلام در جواب فردی که زن می‌گرفت و بدون هیچ‌گونه بدی وی را طلاق می‌داد و مجدد همین کار را می‌کرد، فرمود: خداوند مرد و یا زن تنوع‌طلب را مبعوض یا ملعون می‌دارد.

نمی‌ماندند؛ فقط زنان نازا با مشکل مواجه می‌شدند چون آنان را شوم می‌دانستند و آنها ناچار بودند با بهره‌ کمتری از زندگی (علی، ۱۳۹۱ق، ج ۴: ۶۳۵) با همسران خود زندگی کنند. البته این کارکرد در زمان‌های دیگر نیز به تناسب شرایط می‌تواند اثرگذار باشد. سازمان‌های حمایتی اگرچه مفید هستند، ولی نیازهای عاطفی انسان پیچیده‌تر از آن است که یک سازمان رسمی بتواند آن را برآورده نماید.

۵) برخی موارد چندزنی، جنبه سیاسی داشت. برای جلوگیری از اختلاف و جنگ و/یا تقویت قبیله از طریق قبیله‌ای بزرگتر، ازدواج بزرگان قبیله‌ها می‌توانست این فضا را فراهم کند. لذا رئیس یک قبیله با دختر رئیس قبیله دیگر ازدواج می‌کرد، آن دو از یکدیگر حمایت می‌کردند (همان: ۶۳۴). برخی ازدواج‌های پیامبر اسلام علاوه بر حمایت اجتماعی، جنبه سیاسی و یکپارچه‌سازی امت اسلامی داشت. شاهد برآن، ازدواج نکردن با انصارهای یهود در مدینه بود، زیرا با آنها پیمانی مهم و تاریخی بست و در بند اول آن مقررش که ملت واحدی را تشکیل می‌دهند (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ۴۶۲). ازدواج‌های متعدد پیامبر با قبیله‌های مخالف بود که همیشه به دنبال ضربه زدن به حکومت تازه تأسیس اسلامی در مدینه بودند. برای مثال، ازدواج با صفیه دختر رئیس قبیله یهودیان پس از فتح خیبر که پیامبر او را از دحیه بن خلیفه کلبی خرید، پس از آنکه مسلمان شد وی را آزاد کرد و با وی ازدواج نمود (آیتی، ۱۳۶۶: ۵۰۵) و باعث شد مشرکان مکه به قدرت و جایگاه پیامبر و مسلمانان پی ببرند. همچنین ازدواج با ام‌حبیبه دختر ابوسفیان پیش از فتح مکه در کاهش دشمنی مشرکان قریش تأثیر داشت (عاشوری لنگرودی، ۱۳۸۹: ۹۶). در مورد چندزنی در اسلام، یک دیدگاه آن است که چندهمسری به خودی خود مطلوب نیست و صرفاً به دلیل ضرورت‌های اجتماعی مشروعیت یافته است. از میان فقها شیخ طوسی و محقق اردبیلی و در میان اندیشمندان معاصر شهید مطهری به تک‌همسری تصریح کرده‌اند (بستان، ۱۳۹۷: ۵۱).

۶) ازدواج موقت برای رفع نیازهای ضروری در شرایطی که ازدواج دائم مقدور نیست و فرد ممکن است به گناه بیفتد مجاز شده است. به عبارت دیگر، اصل بر ازدواج دائم است و اگر مقدور نشد، حفظ عفت (نور، ۳۳) و اگر شرایط عفت فراهم نشد، برای رفع ضرورت و به گناه نیفتادن، عقد موقت با شرایط خاص مجاز شده است. این سنت که در زمان پیامبر اسلام بود ولی

در زمان خلفا ممنوع شد و از سوی بخش بزرگی از مسلمانان این ممنوعیت مورد پذیرش واقع شد، در سیره معصومین سعی شد ضمن تأکید بر پرهیز از تنوع‌طلبی و حفظ خانواده این سنت ادامه یابد تا در مواقع ضرورت، نیازهای جامعه را برآورده نماید. لذا در برخی سخنان و/یا رفتار برخی اصحاب آنان از این کار نهی شده‌اند، و اگر به دنبال چشیدن لذت و تنوع‌طلبی باشند ملعون دانسته شده، در برخی دیگر نگرانی از کناره‌گیری از همسر دائمی مطرح شده است، در برخی دیگر به‌خاطر در معرض تهمت یا تقیه بودن از این کار نهی شده است و در برخی دیگر تشویق به عقد موقت دیده می‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱: ۲۲). از مجموع سیره به‌دست می‌آید که حفظ خانواده و پرهیز از گناه و همچنین پیش‌گیری از تنوع‌طلبی و سوءاستفاده افراد از موارد مهم در تجویز و قانون‌مند نمودن عقد موقت برای مدیریت جامعه است. و در هر زمان لازم است کارشناسان به تناسب نیاز جامعه، شرایط آن را تدوین کنند تا باعث کاهش آسیب‌ها و ضمانت کافی برای حفظ حرمت و جایگاه افراد به‌ویژه زنان باشد.

ی) تغییر سبک زندگی بسیار کند و تدریجی است. تغییر و نهادینه شدن یک رفتار یا عملکرد که زمانی طولانی جزء فرهنگ و اقتصاد یک جامعه است، زمان‌بر است و صبوری و بردباری ویژه‌ای می‌طلبد. در جزیره‌العرب مانند برخی نقاط دیگر، برده‌داری و خرید و فروش آن جزئی از فرهنگ و اقتصاد آن زمان شده بود و بر افتادن سبک زندگی برده‌داری زمان‌بر بود. برخورد با چنین پدیده‌ای در جامعه آن روز که عموم مردم با مشکل جنگ و مسائل اقتصادی متعددی مواجه بودند، علاوه بر عدم پذیرش (چون از نظر فرهنگی برده و برده‌زاده، جز قشر پست جامعه بود)، باعث آسیب‌های جدیدی در آن جامعه می‌شد. در چنین شرایطی، سیره معصومین بر اصلاح همراه با حذف تدریجی قرار داشت. این اصلاح در بعد «اصلاح اندیشه و نگرش نسبت به بردگان» از طریق توجه دادن به ارزش و کرامت انسانی و احترام نمودن به حقوق آنان؛ و در بعد «اصلاح رفتار» از طریق آزاد کردن اختیاری و/یا به‌عنوان جبران برخی کوتاهی‌ها در امور عبادی (مانند روزه‌خواری و ...)، و سفارش به ازدواج با آنان و برخورد با کسانی که این ازدواج‌ها را تحقیر می‌کردند، پیگیری شد. برای مثال، پیامبر ماریه (کنیزی که از مصر به‌عنوان هدیه برای ایشان فرستاده شده بود) را آزاد و با وی ازدواج نمود و فرزندی به نام ابراهیم داشت (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۷۵). سایر معصومین نیز با خریدن کنیز و احترام گذاشتن

و/یا آزاد کردن و ازدواج و بچه‌دار شدن، با سنت قبل از اسلام مقابله کردند. حتی مادر برخی معصومین از همین قشر بودند. برای درک بهتر این موضوع، به نگاه تاریخی همدلانه نیاز است تا فرد فارغ از شرایط امروزی، خود را در آن موقعیت اجتماعی قرار دهد و از درون آن شرایط، پدیده مورد نظر را درک نماید.

همسان همسری

عموم صاحب‌نظران بر اصل همسان همسری^۱ به‌عنوان معیار عام‌گزینش همسر در جوامع گوناگون توافق دارند (بستان، ۱۳۸۵: ۳۸). همسانی میان دو فرد نه تنها آنها را به‌سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوارتر می‌سازد. هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش‌های ایشان بیشتر است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۴۱). معیارهای همسانی میان زن و شوهر در جوامع گوناگون ممکن است تاحدی متفاوت باشد. ولی لزوم احراز بعضی از انواع همسانی، مانند سن، فاصله سنی، طبقه اجتماعی و...، در بسیاری از جوامع، یک قاعده پذیرفته شده است. در زمینه سن و فاصله سنی زوجین، تحقیق‌های جامعه‌شناختی حاکی است که مردان مایل‌اند با زنان جوان‌تر از خود ازدواج کنند (همان: ۵۲). این فاصله چقدر باشد، نظر واحدی وجود ندارد (همان: ۵۳). هر چند شکاف سنی را می‌توان از عواملی دانست که در صورت ترکیب با دیگر عوامل منفی، می‌تواند موجب کاهش ابعاد کیفی و حتی قطع پیوند زوجیت را فراهم آورد. لیکن میزان تأثیر این عامل در همه شرایط یکسان نیست. برای مثال، در شرایط جامعه سنتی، که فراوانی این نوع خانواده‌ها به حدی است که آن را به‌صورت یک هنجار پذیرفته شده اجتماعی درمی‌آورد، اثر عامل شکاف سنی به‌غایت محدود خواهد بود (همان‌جا).

همسان همسری قبل از اسلام: همسان همسری قبل از اسلام، ابعاد مختلفی داشت.

الف) همسانی از نظر، قدرت، نسب و طبقه اجتماعی: ملاک همسانی در بین شهرنشینان تعلق داشتن به نسب و طبقه اجتماعی بود. به دلیل اهمیت نسب در قبیله، همسان همسری نسبی تشویق می‌شد. به‌همین دلیل، اگر پدر و مادر کسی از خود قبیله بود، بالاترین ارزش را داشت. در

مرحله بعد، اگر هر دو از عرب بودند اما یکی از قبیله دیگری بود، ارزش پایین‌تری برای قبیله داشت و اگر مادر آنها غیر عرب بود، آنها را به نام «هجین» مورد سرزنش قرار می‌دادند. لذا زن قریش با غیر قریش ازدواج نمی‌کرد و عرب، غیرعرب را کفو نمی‌دانست. اما ملاک همسانی در بین بادیه‌نشینان قدرت و شجاعت بود، زیرا بیشتر اوقات در جنگ بودند. قوت و قدرت مرد می‌توانست حامی قبیله و زن و همین‌طور ضامن برای تأمین معاش خانواده باشد. همین‌طور شجاعت زن می‌توانست فرزندان شجاع به دنیا آورد. شجاعت مرد از عدد مقتولینش مشخص می‌شد. در بعضی جماعت‌ها، قطع سر دشمن توسط جوان باعث اعجاب و دل‌بر شجاعت وی بود (ایزدخواه، ۱۳۹۳: ۴۴۴). افراد طبقه پایین و فقیر جسارت خواستگاری از طبقه اشراف را نداشتند. و همچنین مردی از خانواده اشراف اگر با طبقه پایین ازدواج می‌کرد، توبیخ می‌شد.

ب) همسانی از نظر اصالت خانوادگی و آزاد بودن: بین اشراف عرب، همسان همسری طبقه‌ای بر پایه اصالت خانوادگی بود. لذا اگر مردی پول‌دار، که پدر یا جد پدری وی جز مشاغل پائین اجتماعی بودند، به خواستگاری دختری فقیر از خانواده اصیل می‌رفت، او را نمی‌پذیرفتند. هر خانواده شریفی فقط با هم‌شان خود ازدواج می‌کرد (علی، ۱۳۹۱، ج ۴: ۵۴۳). اکثم بن صیفی به فرزندش می‌گوید: «مواظب باش، زیبایی زنان تو را فریب ندهد، زیرا ازدواج با همسران شرافتمند و سرشناس تعیین‌کننده مراتب شرافت است. این موضوع تا بعد اسلام نیز ادامه داشت (جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۶۲). همچنین آزاد بودن در مقابل برده بودن نیز ملاک همسانی بود. از نظر عرفی، امکان نداشت که دختر مردی آزاد با برده و/یا کسی که قبلاً برده بوده و آزاد شده ازدواج کند، هرچند بردگی مربوط به اجداد آن فرد باشد؛ زیرا بردگی را با خانواده ملازم می‌دانستند (علی، ۱۳۹۱، ج ۴: ۶۳۹).

ج) همسانی از نظر سن و فاصله سنی: همسانی از نظر سن و فاصله سنی مطرح نبود. آنان تمایل داشتند که با دختر و در سن پایین ازدواج کنند (همان: ۶۳۵). دختر بودن شرط بود و اگر دختر نبود، به خانواده‌اش باز گردانده می‌شد و گاهی برای رهایی از ننگ آن، موجب قتل دختر می‌گردید (همان جا). در آن دوران، در بین عرب‌ها، ازدواج سخت نبود و هیچ مرد و زنی بدون همسر نمی‌ماند. شاید از جمله دلایل تن دادن به ازدواج با فاصله سنی زیاد، بدون شوهر نماندن زن پس از طلاق و/یا مرگ شوهر بود. البته در آن فرهنگ، یکی از مهم‌ترین کارکردهای ازدواج

فرزندآوری به‌ویژه فرزندان پسر بود. لذا زنانی که فرزندآور بودند مشکل چندانی برای ازدواج مجدد نداشتند. ولی زنان نازا معمولاً برای ازدواج مجدد با مشکل مواجه می‌شدند. در این صورت، بهره‌مرد بیشتر از زن بود، زیرا اگر مرد عقیم بود، چندین ازدواج می‌کرد تا معلوم شود عقیم است، ولی زن اگر عقیم بود، با اولین ازدواج بعدی مرد معلوم می‌شد و ناچار بود با همان شوهر در شرایط پایین‌تر زندگی کند و اگر طلاق داده می‌شد در خانواده خود باقی می‌ماند (همان‌جا)، چون باکره و فرزندآور بودن اولویت بود.

همسان‌همسری در سیره معصومین: در سیره معصومین، اساس همسانی بر پایه ایمان و اخلاق دانسته شد و اصالت خانوادگی را به صالح و درستکار بودن خانواده اصلاح کرد. همسان‌همسری براساس قدرت، طبقه اجتماعی، اصالت خانوادگی به معنایی که در جاهلیت بود و آزاد یا برده بودن، به‌عنوان معیار اصلی همسانی در انتخاب همسر مردود اعلام شد. در روایت ابو حمزه ثمالی از امام باقر(علیه السلام) آمده است: «من نزد امام بودم، شخصی خدمتشان عرض کرد، بنده از دختر فلانی خواستگاری کردم، ولی به‌خاطر بدقیافه بودن، فقر و غریب بودنم مرا رد کرد. امام فرمود: برو از طرف من بگو محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب می‌گوید که دختر را به ازدواج من در بیاور و رد نکن. تا اینکه امام فرمود، مردی از اهل یمامه که جویر نام داشت، خدمت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) اسلام آورد و نیکو مسلمانی شد، و فردی کوتاه قد، بد قیافه، تهیدست و سیاه پوست بود. پیامبر به وی فرمود، اگر ازدواج کنی عفت خویش را حفظ و به دنیا و آخرت تو کمک خواهد کرد. عرض کرد یا رسول الله، پدر و مادرم فدایت، کدام دختر رغبت به من خواهد داشت، درحالی که حسب و نسب و مال و جمال ندارم. پیامبر فرمود: همانا خداوند با اسلام کسانی که در جاهلیت، پست شمرده می‌شدند شرافت داد و آنان که برای خود شرافت قائل بودند پایین آورد. تمامی مردم پس از اسلام چه سفید و چه سیاه، چه از قریش باشند یا سایر عرب‌ها و چه غیرعرب باشند از آدم هستند و خداوند آدم را از خاک خلق کرد. محبوب‌ترین مردم نزد خداوند با تقواترین آنهاست. سپس فرمود: ای جویر به خانه زیاد بن لبید برو و او از اشراف بنی بیاضه است و بگو من را پیامبر فرستاده تا دختر خویش ذلفا را به ازدواج من درآوری. زیاد برای درستی پیغام نزد پیامبر رفت،

پیامبر به وی فرمود، ای زیاد، جویر مؤمن است و مرد مؤمن، هم‌شأن دختر مؤمن است و مسلمان هم‌شأن مسلمان است، پس با ازدواج آنان موافقت کن» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰: ۶۸). همچنین ازدواج با برده و یا برده‌زاده پس از آزاد کردن آنها، هم در سیره معصومین و هم در سیره اطرافیان آنان بود و حتی مادر برخی معصومین اینگونه بودند و هم تشویق اطرافیان برای آزاد کردن و ازدواج مشاهده می‌شود.

در سیره معصومین، بر ایمان و اخلاق به‌عنوان معیارهای اصلی در همسانی تکیه شده است. در این زمینه، دو نکته قابل ملاحظه است: اول آنکه، تکیه کردن بر ایمان و اخلاق به‌عنوان دو محور اصلی هم‌شأن بودن، و در نظر نگرفتن سایر شرایط سنی و طبقه اجتماعی، زمانی صحیح است که شناخت دو طرف عمیق باشد. زیرا در آن زمان از یک طرف، محیط ساده و محدود بود و از طرف دیگر، شناخت خانواده‌ها از یکدیگر بالا بود و پیامبر گرامی اسلام و/یا امامان معصوم براساس شناخت عمیقی که از فرد و خانواده طرف مقابل داشتند، آنها را برای ازدواج، به خانواده‌ها با فاصله طبقاتی معرفی می‌کردند. در شرایط پیچیده اجتماعی، که شناخت معمولی است، و از اسلام و ایمان فرد و خانواده طرف مقابل آگاهی کامل نداریم، نمی‌توانیم سایر شرایط همسان‌همسری مانند وضعیت اقتصادی، تحصیلی و فرهنگی حاکم بر خانواده را در نظر بگیریم. زیرا ممکن است انسان‌ها متکبرانه رفتار کنند و منت بگذارند و/یا نقش‌بازی کنند و قصد سوءاستفاده داشته باشند. گافمن معتقد است آدم‌ها برای ننگه داشت تصویر ثابتی از خود برای مخاطبان اجتماعی‌شان اجرای نقش می‌کنند (ریتزر، ۱۳۸۷: ۲۹۱). به‌همین جهت، ممکن است فردی با ظاهر افراد با ایمان و منش متناسب با آن، سعی کند نقش افراد با ایمان را بازی کند، ولی در واقع چنین نباشد، و فرد را در تشخیص ایمان و اخلاق و/یا درجه آنها، دچار مشکل کند و تصمیمی اتخاذ کند که استحکام خانواده را به‌دنبال نداشته باشد. لذا تحقیق غیرمستقیم برای شناخت دقیق‌تر تمامی شرایط همسان‌همسری، به نظر ضروری است. و دوم آنکه: ایمان و اخلاق یک طیف هستند. لذا هر شخص خوبی، هم‌شأن هر فرد خوب دیگری نیست. چنانچه در روایت آمده است، برخی مؤمنان کفو و هم‌شأن برخی دیگر هستند (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۲۴۹). کلمه برخی در روایت نشان از آن دارد که ایمان و اخلاق طیف هستند و در روایت پیامبر

اسلام، ایمان در مقابل ایمان و اسلام در مقابل اسلام قرار داده شده است. اگر درجه‌بندی ایمان و اخلاق مورد توجه قرار گیرد، استحکام خانواده بیشتر خواهد شد.

در سیره معصومین برای همسانی در سن و فاصله سنی، قاعده معین و الزامی بیان نشد؛ به عبارت دیگر، به خرد جمعی واگذار گردید تا افراد بتوانند با توجه به درجات ایمان و اخلاق و همچنین مصلحت‌های فردی و اجتماعی حق انتخاب داشته باشند. چنان‌که پیامبر اسلام در سن ۲۵ سالگی، علی‌رغم فرهنگ حاکم آن زمان (ازدواج با دختر بچه‌های سن پائین مرسوم بود)، با خدیجه در سن حدود ۴۰ سالگی ازدواج کرد و تا آخر عمر، همیشه از خدیجه حتی بعد از وفاتش به‌عنوان همسری شایسته یاد می‌کرد. اگرچه مشهور آن است که خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر اسلام، دوبار ازدواج کرده بود (سبحانی، ۱۳۶۳: ۱۹۸)، ولی برخی معتقدند که تا این سن ازدواج نکرده و دختر بود (مرتضی حسینی عاملی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۲). پس از درگذشت خدیجه، پیامبر اسلام ازدواج‌های متعدد داشت، که به جز عایشه، تمامی آنها دختر نبودند. فاصله سنی پیامبر با عایشه حدود چهل سال بود. این تفاوت در آن زمان مرسوم بود، به‌ویژه افراد برای نزدیک شدن به بزرگان، اینگونه ازدواج‌ها را پیشنهاد می‌دادند و/یا می‌پذیرفتند. همانطور که برای نزدیک شدن به پیامبر افراد مسنی از اطرافیان پیامبر به خواستگاری حضرت زهرا، که حدود ده سال داشت، آمدند (سبحانی، ۱۳۶۳: ۵۲۳). آنچه در تاریخ آمده هیچ‌گونه ایراد یا خرده‌ای بر ازدواج پیامبر با خدیجه یا عایشه گرفته نشد. و حضرت علی در سن حدود بیست و چهار سالگی با فاصله سنی با حضرت زهرا در سن حدود ده سالگی ازدواج می‌کنند.

البته توصیه شده ازدواج در کودکی نباشد، چون الفتی ایجاد نمی‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰: ۱۰۴). اگر در شرایطی مانند ساده بودن محیط، تربیت شخصیت‌های خاص و یا زندگی قبیله‌ای، ازدواج کودکان کارکرد حمایتی داشت، لزوماً در تمامی زمان‌ها این کارکرد نخواهد بود.

در مجموع، آنچه از سیره به‌دست می‌آید آن است که اگرچه سن و فاصله سنی خاصی الزام نشده ولی ازدواج در سن پایین‌تر برای پسران و دختران، به‌ویژه دختران، زمانی‌که از مسائل زناشویی آگاهی پیدا نمودند، توصیه شده است؛ و در سیره معصومین عمل شده است. همچنین به این نکته نیز توجه شده که ازدواج پذیرش مسئولیت در زندگی است. لذا دقت در انتخاب و

توجه به آینده زندگی، از نظر اخلاقی، حقوقی و اقتصادی لازم است (فیض کاشانی، بی تا، ج ۳: ۷۲). ذکر این نکته لازم است که رشد و توان پذیرش مسئولیت در زندگی، فقط ربطی به بالا رفتن سن ندارد. گاهی افرادی از نظر کمیت سن بالا هستند ولی از نظر کیفیت رشد ندارند و گاهی کمیت سن پایین است، ولی به دلیل تربیت صحیح و ایجاد فضای لازم برای مطالعه و شناخت درست زندگی، کیفیت بالاست و امکان فهم مشترک وجود دارد. با رشد جسمانی به خودی خود افراد و با بالا رفتن سن، پختگی حاصل نمی‌شود. البته در تسریع امر ازدواج باید تفاوت‌های فردی و شرایط اجتماعی و اقتصادی نیز در نظر گرفته شود. چنانچه در دوران نوجوانی و جوانی پیامبر اسلام اگرچه شرایط ازدواج و ارضاء نیازها آسان بود، ولی به دلیل شرایط اقتصادی و همچنین انتخاب فرد مورد نظر، تا بیست و پنج سالگی ازدواج نکردند. حضرت علی نیز چون حضرت زهرا شرایط سنی لازم را نداشت، با تأخیر ازدواج نمودند. بدین ترتیب، اگر در سیره معصومین، تسریع در ازدواج مشاهده می‌شود، نباید به صورت کلی و برای همه، قاعده خاصی را تعیین نمود و باید تفاوت‌ها و شرایط افراد را در هر زمان و مکان در نظر گرفت.

حق انتخاب در گزینش همسر

حق انتخاب از اصول عام انسانی است که در زمان و مکان ثابت است. ولی محدوده حق انتخاب در مکان و زمان ممکن است تغییر کند. جامعه‌شناسان دو دسته جامعه را از یکدیگر متمایز می‌کنند؛ جامعه جمع‌گرا که در آن والدین و بزرگ‌ترهای خانواده معمولاً نقش فعالانه‌ای در عملیات همسریابی و همسرگزینی برای فرزندان ایفا می‌کنند. چه بسا به خواسته‌ها و علائق جوانانی که می‌خواهند ازدواج کنند، چندان توجهی نمی‌شود (بستان، ۱۳۹۷: ۴۳) و در جامعه فردگرا، کاهش چشمگیر نقش نظارتی و تصمیم‌گیرندگی والدین در همسریابی جوانان به ویژه دختران ملاحظه می‌شود (همان: ۴۴).

حق انتخاب همسر در فرهنگ قبل از اسلام: جامعه عرب زمان ظهور اسلام جمع‌گرا بود. در این جامعه، زنان شخصیت مستقلی نداشتند، پس اراده مستقلی نیز نداشتند و خواستگار باید دختر را از رئیس قبیله، پدر، برادر، عمو و/یا پسر عمو خواستگاری می‌کرد و دختر حق اعتراض

نداشت (ایزدخواه، ۱۳۹۳: ۴۴۲). فقط در برخی موارد دختران اشراف ازدواج بدون موافقت را نمی‌پذیرفتند. در اینگونه خانواده‌ها دختر می‌توانست بپذیرد یا رد کند. حتی در برخی موارد که ازدواج می‌کردند اختیار با زن بود که بماند یا زندگی را ترک کند. به عبارت دیگر، حق طلاق با آنان بود و این به خاطر جایگاه آنها بود (علی، ۱۳۹۱، ق، ج ۴: ۶۳۶). ولایت در جاهلیت حق اشراف بر تمام شئون فرد (مولی علیه) را می‌داد؛ حتی بر حیات و زندگی آنان. ولی می‌توانست فرزندی را در راه بت‌ها قربانی کند یا او را بکشد و/یا در مقابل دیون و بدهکاری‌اش رهن بدهد و/یا او را به هر نحو بخواهد تأدیب، خلع و طرد از قبیله نماید، از ارث محروم کند، و با شوهر دادن دختر، مهریه را از آن خود نماید و ... (ایزدخواه، ۱۳۹۳: ۴۶۳).

حق انتخاب همسر در سیره معصومین: در سیره معصومین، برای انتخاب همسر چند چیز مسلم است؛ یکی آنکه، رضایت پسر و دختر در ازدواج لازم و ضروری است و عقد بدون رضایت آنان صحیح نیست (وحیدی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۶۸). و دیگر آنکه پدر اختیاردار مطلق دختر نیست و نمی‌تواند بدون میل و رضای او، وی را به هرکس که بخواهد شوهر دهد. مطلب دیگر آن است که پسرها اگر به سن بلوغ برسند و دارای عقل و رشد باشند، اختیاردار خود هستند و زنان بیوه نیز اختیاردار خویش‌ند؛ و دیگران حق دخالت در انتخاب آنها را ندارند. اما یک مطلب مسلم در مورد دختران (دوشیزه) آن است که (اگرچه اجازه ولی دختر شرط است)، اگر پدران بدون جهت از موافقت با ازدواج آنان امتناع کنند، حق آنها ساقط می‌شود و دختران می‌توانند در انتخاب آزاد باشند (مطهری، ۱۳۵۷: ۶۰). به عبارت دیگر، در سیره معصومین (علیهم السلام)، ضمن نفی فردگرایی و جمع‌گرایی افراطی، تعادل بین آزادی انتخاب پسر و دختر و نظارت خانواده ایجاد شد. به همین جهت، دیدن، پسندیدن و انتخاب نهایی با دختر و پسر و/یا زن و مرد است؛ و جلب رضایت والدین به‌طورکلی، توصیه شده است و در مورد دختر (باکره)، رضایت ولی شرعی و قانونی او، در صورتی که معقول و منطقی باشد، علاوه بر رضایت دختر، لازم و ضروری است. اما اگر عدم رضایت ولی دختر معقول و منطقی نباشد، حاکم شرع حق دخالت به نفع آینده دختر را خواهد داشت.

رضایت دختر برای ازدواج در سیره معصومین، اصل اساسی بود. برای نمونه، وقتی حضرت علی (علیه السلام) به خواستگاری حضرت زهر (سلام الله علیها) آمد، پیامبر (صلی الله علیه و

آله) به داخل خانه رفت و به دخترش فرمود: علی تو را از من خواستگاری کرده است. تو پیوند او را با ما و پیشی او را در اسلام می‌دانی و از فضیلت او آگاهی. زهرا (سلام الله علیها) بی‌آنکه چهره خود را برگرداند خاموش ماند. پیغمبر چون آثار خشنودی را در آن دید، الله اکبر گفت (امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۷). با اینکه پیامبر جایگاه حضرت علی را در پیشگاه حق می‌داند، بدون هیچ اصراری فقط آن را یادآوری می‌نماید و انتخاب را به عهده دختر قرار می‌دهد.

برای اجازه پدر برای دختر (باکره)، برخی از فقها بین دختران رشید و غیررشید فرق قائل شده‌اند و به حدیث امام باقر(ع) استناد نموده‌اند که فرمود: «اگر دختری اختیار امور خود را در دست داشته باشد، خرید و فروش نماید، بنده آزاد کند، در دادگاه شهادت دهد و هر آنچه بخواهد از اموالش انفاق کند، در این صورت امر او نافذ است و می‌تواند خود را به هرکس که بخواهد تزویج نماید، در غیر این صورت، ازدواج او بدون موافقت ولی جایز نیست (بستان، ۱۳۹۷: ۵۶). رضایت ولی از نظر اجتماعی لازم و ضروری است زیرا انسان‌ها می‌توانند نقش بازی کنند و تشخیص بازی نقش عاشق و عاشق حقیقی آسان نیست.

تحلیل گفتمان قواعد همسرگزینی در جاهلیت و سیره معصومین (ع)

تحلیل گفتمان در این جدول بر مبنای رویکرد شناختی-اجتماعی «ون دایک» با سه سطح، تحلیل اجتماعی، شناخت اجتماعی و گفتمان خواهد بود. برای سهولت مقایسه، دو دوره قبل و بعد از اسلام، در یک جدول ارائه می‌شود.

۱) مقایسه تحلیل گفتمان قواعد همسرگزینی سیره معصومین با دوران جاهلی بر مبنای

رویکرد شناختی-اجتماعی ون دایک

ویژگی‌های بارز دوره‌ها	دوره‌ها	ابعاد سطوح	سطوح تحلیل
جامعه بسته با ساختار قبیله‌ای (قبیله‌ای، اشرافی و طبقاتی در مناطق شهری)، برتری نژادی عرب نسبت به دیگران، نبودن حاکمیت سیاسی واحد، تشنه فرهنگی	جاهلی	بافت عام	
پیوند بین قبایل و تشکیل امت اسلامی، نفی نژادپرستی، حاکمیت سیاسی واحد، تلاش بر وحدت فرهنگی در جامعه اسلامی	اسلام		
(مشارکان: پدران، مادران و فرزندان) حاکمیت مطلق پدران (برادران، عموها و			

سطح تحلیل	ابعاد سطوح	دوره‌ها	ویژگی‌های بارز دوره‌ها
تحلیل اجتماعی	بافت موضوعی	جاهلی	پسرعموها)، رؤسای قبایل، اشراف بر همسرگزینی و ندادن حق اظهار نظر به مادران و دختران؛ حق انتخاب برخی زنان و دختران اشراف؛ طبقاتی بودن همسرگزینی بین اشراف و عشیره‌ای و قبیله‌ای بودن بین سایر مردم.
		اسلام	(مشارکان: پدران، مادران و فرزندان) تصمیم نهایی با طرفین ازدواج (زن و مرد)، نفی حاکمیت مطلق پدر و دیگران (فقط دختر باکره اجازه پدر همراه با مصلحت دختر)، نفی نژادپرستی، قومیت و طبقاتی بودن همسرگزینی و هم‌شأن بودن در ایمان و اخلاق
شناخت اجتماعی	ارزش‌های اجتماعی فرهنگی	جاهلی	ارزش‌های مثبت مؤثر در همسرگزینی: حسب (شمردن مفاخر اجداد)، نسب (اصل، نژاد)، طبقه اجتماعی و اشرافیت، اموال و دارایی، جنسیت مرد، قدرت و شجاعت، پایبندی به عهد و پیمان اگرچه ظلم به دیگری باشد، دوشیزه بودن و سن پایین برای ازدواج، آزاد بودن (برده یا برده‌زاده نبودن)، آزادی ازدواج مردان با هر تعداد زن و کنیز. ارزش‌های منفی مؤثر در همسرگزینی: از یک قبیله نبودن، از نژاد عرب نبودن، همسانی طبقه‌ای و اشرافی نبودن برای طبقه بالا و اشراف، برده یا برده‌زاده بودن، نازایی و دخترزایی زن، دختر (دوشیزه) نبودن در ازدواج اول، ضعف و ترس برای مرد، پیمان‌شکنی.
		اسلام	ارزش‌های مثبت مؤثر در همسرگزینی: ایمان، اخلاق، برابری جنسیتی، صداقت (پرهیز از پنهان کاری)، رعایت حدود الهی، حفظ حرمت والدین، حمایت از زن و استحکام خانواده با ممنوع نمودن بسیاری از ازدواج‌ها با محدود کردن چندزنی و با پاسخ دادن مدیریت شده به نیازهای عاطفی و جنسی ضروری در جامعه و با حذف تدریجی ازدواج با کنیزان. ارزش‌های منفی مؤثر در همسرگزینی: تفاخر به حسب و نسب و طبقه اجتماعی، تبعیض جنسیتی، عدم رضایت‌مندی زن، پنهان کاری، عدم رعایت حدود الهی، عدم رعایت عدالت، تزلزل خانواده.
		جاهلی	نژادپرستانه عربی و قبیلگی و عشیره‌گی و جنسیت‌گرایی مردانه، متشتت فرهنگی حاصل از اشرافیت و رؤسای قبایل، متکی بر زور و قدرت
	ایدئولوژی	اسلام	الهی، منسجم، عدالت‌طلبانه ضمن پذیرش تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، برابری خواه بین زن و مرد در تصمیم‌گیری و انتخاب
		جاهلی	نگرش مثبت به: زور، قدرت، ثروت و جنسیت مرد (همچنین پسرخواهی) نگرش منفی به: ازدواج با افراد غیر قبیله، زن و دختر و دختر زایی، بردگان و برده‌زادگان (اگر چه آزاد شده باشند).

ویژگی‌های بارز دوره‌ها	دوره‌ها	ابعاد سطوح	سطوح تحلیل
نگرش مثبت به: انسان ورای نژاد و قومیت و جنسیت، زن و دختر و دخترزایی، برده و برده‌زاده، فقیر و فقیرزاده و افراد دارا. نگرش منفی به: تبعیض جنسیتی، فخرفروشی	اسلام	نظام نگرش	
مفاهیم: «قدرت، شجاعت، حسب، نسب، قبیله و طبقه اجتماعی، ولایت مطلق پدر و برادر و عمو و رئیس قبیله (نظر نخواستن از دختر و مادر) در حق انتخاب همسر، تحقیر زن و دختر با واژه‌های متعدد و ...»	جاهلی	متن و معنا	
مفاهیم: «ایمان، اخلاق، سلامت و احمق نبودن، بلوغ، رشد، ولایت محدود پدر و جد پدری، اذن و اجازه، تحسین دختر و دخترزایی به خیر و برکت بودن، ریحانه بودن زن، سفارش ویژه نسبت به مادر (مسیر بهشت بودن، گره و سختی، وهن و سستی دوران بارداری و فرزندپروری و معاف دانستن حقوقی (نه از نظر اخلاقی) زن از کار برای خانه و کار در خانه.»	اسلام		
عربی اصیل در برخی موارد شاعرانه با مفاهیم و گزاره‌های عامیانه جنسیت‌گرای تحسین‌کننده قدرت، زور و لذت‌طلبی (شراب و زن) و در برخی موارد افسانه‌ای و خرافاتی.	جاهلی	سبک	
ویژه قرآن کریم (فراتر از نظم و نثر)، نثر فصیح در قالب خطبه، نامه، سخنان کوتاه و دعا با مفاهیم و گزاره‌های عموم فهم و محتوای عمیق و تشویق‌کننده تفکر، تعقل و پرهیز از خرافه.	اسلامی		
«تشویق» به حمایت (در صورت فرزند پسر آوردن و...) و «تنبیه» به طرد (مانند نازا بودن یا دخترزا بودن و...)، و «تهدید» زنان و دختران و مردان ضعیف.	جاهلی	گفتمان	
برای ازدواج و رعایت حرمت و حریم: «تشویق» به خیر و برکت و روزی زیاد و ... (به دلیل مشکل اقتصادی حاکم بر جامعه و تغییر مورد نظر گشایش ایجاد می‌کرد)، و به زندگی خوب و راحت در آخرت و «تنبیه» به عواقب دنیایی (مانند بروز اختلاف و ناسازگاری و...) و آخرتی (مانند جهنمی شدن و...).	اسلام		
اقناع از طریق گزاره‌ها: مانند «استفاده از نظم‌آهنگ»، «عبارت‌های تأکیدی»، «تمثیل» و اقناع از طریق انجام کارهای غیرمترقبه در بافت اجتماعی (مانند فرستادن فقیر به خواستگاری اشراف‌زاده).			

با کنار هم قرار گرفتن ابعاد تحلیل، ارتباط متقابل و چندگانه بافت اجتماعی، ایدئولوژی، نگرش و ابعاد گفتمان با یکدیگر، بهتر به نمایش درآمده است. برای اصلاح یا تغییر اجتماعی

نیاز است به تمامی این ابعاد و رابطه چندگانه و پیچیده آنها توجه شود. به همین دلیل پیامبر اسلام، علاوه بر تبیین جهان‌بینی در مکه، در مدینه از همان ابتدا، برای ارائه تمامی ابعاد گفتمان جدید و تبدیل به گفتمان حاکم به تغییر بافت اجتماعی پرداخت. ایجاد وحدت بین قبایل و مهاجران و انصار و امضاء عهدنامه بین آنها، زمینه گذر از قبیله‌های جدا و متخاصم به قبیله‌های متحد و حامی یکدیگر و در مسیر شکل‌گیری امت اسلامی را فراهم نمود و بستر نظام سیاسی و ارائه ایدئولوژی و هنجارهای حقوقی و اخلاقی واحد فراهم گردید. در این زمینه متن، سبک و شیوه افق‌ها هم از طرف وحی، که ویژه و خاص بود، و هم از طرف معصومین، که در عالی‌ترین سطح قرار داشت، نقش مهمی را ایفا نمود. آنچه از مجموع سیره به دست می‌آید، که همسرگزینی نیز بخشی از آن است، اینکه بین ابعاد گفتمان و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و بافت اجتماعی عام و موضعی، رابطه متقابل و چندگانه وجود دارد که هنگام ارائه گفتمان جدید از سوی معصومین مورد توجه بوده است و توانست بین اطرافیان و ارادتمندان گفتمان حاکم شود؛ هرچند پس از حکومت حضرت علی (علیه السلام)، بازگشتی به سوی قبل از اسلام ملاحظه می‌شود و نیاز است تحقیق‌های عمیق‌تری در این زمینه انجام گیرد.

نتیجه‌گیری

رویکرد اکتشافی و توصیفی به همسرگزینی با تکیه بر بافت کلامی معصومین و بافت اجتماعی آن زمان، محور اصلی بحث است. از مجموع بررسی سیره و بافت اجتماعی آن زمان، در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش این نتیجه به دست آمد: قواعدی که با مبانی اصلی دین مانند توحید و اخلاق محوری و کمال و کرامت انسانی و/یا با اصول خردمحوری مانند نفی ظلم، موافق بود، تأیید و قواعدی که مخالف بود و بافت اجتماعی ظرفیت داشت حذف و یا اصلاح شد. در مورد حذف، مواردی که بافت اجتماعی ظرفیت لازم را داشت، مانند انواع ازدواج‌های قبل از اسلام (غیر از صداق، متعه و ازدواج با کنیزان)، برون‌همسری دینی، درون‌همسری طبقه‌ای و نژادی، حق انتخاب نداشتن در همسریابی و همسرگزینی فرزندان، در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) حذف شد و مواردی که بافت اجتماعی ظرفیت لازم را نداشت، مانند ازدواج با کنیزان را از طریق اصلاح نگرش (توجه به کرامت انسانی بردگان) و رفتار (احترام به آنان، آزاد نمودن

اختیاری و/یا جبران برخی کوتاهی‌ها در اجرای احکام الهی و ازدواج و بچه‌دار شدن از آنها) حذف تدریجی نمود. در مورد اصلاح، برخی قواعد همسرگزینی نیاز شرایط آن زمان و شرایط مشابه در زمان‌های بعد بود؛ مانند محدود نمودن شرایط چندزنی که هم ظلم در حق زنان برداشته می‌شد و هم زنان بی‌سرپرست مدیریت می‌شدند و مانند عقد موقت یا همان متعه، که به دلیل مشکلات در مسیر عقد دائم و/یا طولانی بودن سفرها و جنگ‌ها می‌توانست غریزه را مدیریت و از انحراف اخلاقی جلوگیری کند، اصلاح و تأیید شد. در همسان همسری دو معیار ایمان و اخلاق را دستوری بیان نمود و مواردی از قبیل سن، فاصله سنی و سایر معیارها را به خرد جمعی و سلیقه فرد واگذار نمود تا در زمان‌ها و بافت‌های اجتماعی مختلف افراد بتوانند با توجه به درجات ایمانی و اخلاقی و همچنین مصلحت‌های فردی و اجتماعی حق انتخاب داشته باشند. به‌طور کلی، در شکل‌گیری قواعد همسرگزینی، اگرچه ارزش‌ها و مبانی اصلی دین نقش مهمی دارند، ولی بافت اجتماعی و خرد جمعی نیز در آن نقش ایفا می‌کنند.

از مجموع سیره معصومین، پیرامون همسرگزینی، این ایده به دست آمد که بافت اجتماعی عام نقش مهمی در ارائه گفتمان جدید دارد و بین بافت اجتماعی عام با ایدئولوژی و ارزش‌های اجتماعی و گفتمان ارتباط متقابل و پیچیده‌ای وجود دارد که لازم است برای تغییر و اصلاح در هرکدام از آنها ابعاد دیگر نیز مدنظر قرار گیرد. لذا پیامبر اسلام برای تغییر در جامعه از جمله همسرگزینی، به تغییر بافت اجتماعی عام اقدام نمود و درعین حال به تبیین ایدئولوژی و ارزش‌های جدید و تغییر در بافت موضعی پرداخت.

پیشنهادات: در پایان بحث، با تکیه بر تحقیق حاضر، پیشنهاد می‌شود: اول آنکه، در زمینه عینی بودن سیره معصومین و امکان مطالعه توصیفی و جامعه‌شناختی آن پژوهش مستقل و گسترده‌تر انجام شود. و دوم آنکه، درباره سایر ابعاد اجتماعی زندگی آنان، پژوهش‌های توصیفی مستقل با تکیه بر بافت اجتماعی آن زمان به‌ویژه شرایط و ویژگی‌های مخاطبان آنان انجام شود. سوم آنکه، چون یکی از موانع در تحقیق حاضر، نبودن اطلاعات دقیق نسبت به مخاطبین سخنان معصومین است که می‌توانست در تعیین معنای کلام مؤثر باشد. لذا پیشنهاد می‌شود گروه‌های تخصصی حدیث‌شناس با تکیه بر اسناد تاریخی معتبر، در زمینه مخاطب‌شناسی احادیث، پژوهش علمی گسترده انجام دهند.

منابع

- امین عاملی، سیدمحسن (۱۳۷۶). *سیره معصومان*، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران: سروش (DVD مرکز علوم اسلامی نور).
- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۶۶)، *تاریخ پیامبر اسلام*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ایزدخواه، محمد ابراهیم (۱۳۹۳)، *تحلیل آیات جامعه‌شناختی عصر جاهلیت*، تهران: دانشکده علوم و فنون قرآن، چاپ اول.
- بروجردی، آقاسین (۱۳۸۶ق). *جامع الاحادیث الشیعه*، جمعی از افراد، تهران: فرهنگ سبز، چاپ اول DVD جامع الاحادیث، مرکز علوم اسلامی (نور).
- بستان، حسین (۱۳۸۵)، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان، حسین (۱۳۹۷)، *خانواده در اسلام*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹). *استراتژی‌های پژوهش اجتماعی*، هاشم آقابیک پور، تهران: جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳). *سیره رسول خدا*، قم: نشر دلیل، DVD معصومین، مرکز علوم اسلامی (نور).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *زن در آئینه جمال و جلال*، قم: نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد (۱۴۱۲ق)، *وسایل الشیعه*، قم: مؤسسه ال‌بیت لاحیاء التراث.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۳)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی*، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۷)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- سبحانی، جعفر (۱۳۶۳)، *فروغ ابدیت*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- شکرانی، رضا، مهدی مطیع، مرضیه فانی (۱۳۸۹)، «گفتمان کاوی و کاربست آن در متون روایی»، دو فصلنامه پژوهش، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ۷۱-۱۰۰.
- صدوق، محمد (۱۴۱۰ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵)، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران: DVD اخلاق اسلامی، مرکز علوم اسلامی (نور).
- عاشوری لنگرودی، حسن (۱۳۸۹)، «فلسفه چندهمسرگزینی پیامبر(ص)»، فصل‌نامه فرهنگ کوثر، شماره ۱۰۷، ۸۴-۹۶.
- علی، جواد (۱۳۹۱ ق)، المفضل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد: مکتبه النهضه، کتابخانه دیجیتال نور.
- فیض کاشانی، محسن (بی‌تا)، المحجّه البيضاء، قم: انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۷۶). قرآن کریم، ناصر مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم.
- قجری، حسینعلی (۱۳۹۲). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران: جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹ ق)، الکافی (پانزده جلدی)، قم: دار الحدیث، DVD جامع الاحادیث مرکز علوم اسلامی (نور).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.
- معروف الحسنی، هاشم (۱۴۱۲ ق)، سیره المصطفی، حمید ترقی جاه، تهران: نشر حکمت، (DVD سیره مرکز علوم اسلامی نور)
- مرتضی حسینی عاملی، جعفر (۱۳۸۶)، سیره صحیح پیامبر اعظم، حسین تاج آبادی، قم: نور مطاف.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی‌تا)، تفسیر نمونه، ج ۱۷، تهران: DVD جامع التفاسیر، مرکز علوم اسلامی (نور).
- نصیری، محمد (۱۳۹۴)، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم: نشر معارف.
- نوری، یحیی (۱۳۶۰)، اسلام، عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام، تهران: مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- وحیدی، محمد (۱۳۸۵)، احکام خانواده، قم: مرکز نشر سنابل.
- ون دایک، تئون ای (۱۳۸۲) و مطالعاتی در تحلیل گفتمان، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات رسانه.